



جنبش سوسیالیستی که با «پهار مردم» در اروپا در پی وقوع انقلاب‌های ۱۸۴۴ آغاز شده و در انترناسیونال اول اوج همبستگی کارگران کشورهای مختلف را نشان داده بود در بحبوحه جنگ جهانی اول و زیر بار موج ناسیونالیسم و وطن‌پرستی در انترناسیونال دوم از هم پاشید و احزاب سوسیالیست کشورهای اروپایی، با پشتیبانی از طبقات حاکم در جنگ جهانی اول، این تاریخ کوتاه‌مدت و باشکوه را کنار گذاردند. در بین‌الملل دوم، جناح اکثریت این احزاب به سمت سوسیال‌دموکراسی پارلمانتاریستی غلبیدند و جناح اقلیت همه زیر چتر انقلاب تازه‌ای رفتند که در روسیه به وقوع پیوست و نام آن کشور را به اتحاد جماهیر شوروی تغییر داد. اما چندی نگذشت که این انقلاب شورشی جای خود را به جامعه‌ای مبتنی بر سلسله‌مراتب داد. مارکسیسم در شوروی تبدیل به مذهبی رمزآلود شد و تصفیه‌ها و محاکمات نمایشی استالین در آغاز دهه ۱۹۳۰ یادآور دادگاه‌های تفتیش عقاید در قرون وسطی. «احزاب برادر» مسکو در اروپا بعد از جنگ جهانی دوم در انتخابات ملی و محلی شرکت کردند و در پارلمان با لیبرال‌ها و حتی محافظه‌کاران پیمان بستند و کم‌کم دغدغه‌های کارگران به کلی از برنامه‌های آنها حذف شد.

از همان ابتدای انقلاب اکثر تا زمان سقوط دیوار برلین، در حاشیه احزاب سوسیالیست، متفکران کم‌تعداد اما تاثیرگذاری حضور داشتند که این قرائت ایدئولوژیک از مارکسیسم را در تضاد با رهایی نهفته در دل فلسفه پرکسیسیس مارکس می‌دیدند و به هر دو گزینه چپ‌گرایی بروکراتیک استالینیسم و سوسیال‌دموکراسی نقد داشتند. کتاب «مارکسیسم دگراندیش» که اخیراً منتشر شده مجموعه زندگی‌نامه‌های برخی از متفکران و فعالان مارکسیست دگراندیش است. در هر فصل کتاب یک یا چند متفکر از خلال روایت زندگی، مبارزات و آثار آنها با توجه به توالی زمانی و نسلی بررسی می‌شود. نویسنده دلیل انتخاب آنها را در درآمد کتاب این می‌داند که «این متفکران با استدلال‌های بنیادی و لحظات مهمی را در عصر بیان کردند یا دوره‌های مهمی را در شکل‌دهی مارکسیست دگراندیشی است. در هر فصل کتاب یک یا چند متفکر از خلال روایت زندگی، مبارزات و آثار آنها با توجه به توالی زمانی و نسلی بررسی می‌شود. نویسنده دلیل انتخاب آنها را در درآمد کتاب این می‌داند که «این متفکران با استدلال‌های بنیادی و لحظات مهمی را در عصر بیان کردند یا دوره‌های مهمی را در شکل‌دهی مارکسیست دگراندیشی است. در هر فصل کتاب یک یا چند متفکر از خلال روایت زندگی، مبارزات و آثار آنها با توجه به توالی زمانی و نسلی بررسی می‌شود. نویسنده دلیل انتخاب آنها را در درآمد کتاب این می‌داند که «این متفکران با استدلال‌های بنیادی و لحظات مهمی را در عصر بیان کردند یا دوره‌های مهمی را در شکل‌دهی مارکسیست دگراندیشی است. در هر فصل کتاب یک یا چند متفکر از خلال روایت زندگی، مبارزات و آثار آنها با توجه به توالی زمانی و نسلی بررسی می‌شود. نویسنده دلیل انتخاب آنها را در درآمد کتاب این می‌داند که «این متفکران با استدلال‌های بنیادی و لحظات مهمی را در عصر بیان کردند یا دوره‌های مهمی را در شکل‌دهی مارکسیست دگراندیشی است. در هر فصل کتاب یک یا چند متفکر از خلال روایت زندگی، مبارزات و آثار آنها با توجه به توالی زمانی و نسلی بررسی می‌شود. نویسنده دلیل انتخاب آنها را در درآمد کتاب این می‌داند که «این متفکران با استدلال‌های بنیادی و لحظات مهمی را در عصر بیان کردند یا دوره‌های مهمی را در شکل‌دهی مارکسیست دگراندیشی است. در هر فصل کتاب یک یا چند متفکر از خلال روایت زندگی، مبارزات و آثار آنها با توجه به توالی زمانی و نسلی بررسی می‌شود. نویسنده دلیل انتخاب آنها را در درآمد کتاب این می‌داند که «این متفکران با استدلال‌های بنیادی و لحظات مهمی را در عصر بیان کردند یا دوره‌های مهمی را در شکل‌دهی مارکسیست دگراندیشی است. در هر فصل کتاب یک یا چند متفکر از خلال روایت زندگی، مبارزات و آثار آنها با توجه به توالی زمانی و نسلی بررسی می‌شود. نویسنده دلیل انتخاب آنها را در درآمد کتاب این می‌داند که «این

مخالف کمونیسم است که به تخطئه مارکس و اندیشه او پرداختند؛ «همه کسانی که فرضیه درست کمونیسم را رها می‌کنند، بی‌درنگ به اقتصاد بازار، دموکراسی پارلمانی- یعنی شکل دولت مناسب سرمایه‌داری- و به خصیصه ناگزیر و «طبیعی» هولناک‌ترین نابرابری‌ها و ستم‌ها تسلیم می‌شوند.» (صفحه ۱۰)

از دید نویسنده تروتسکیسم و چپ نو هسته سیاست مارکسیستی دگراندیشی‌اند. تروتسکیست‌ها شکست رژیم شوروی را سیاسی و حاصل مجموعه‌ای از شرایط بحران‌زای آن دوران می‌دیدند اما از دید چپ نو، شکست اتحاد شوروی در وهله نخست شکستی اخلاقی به‌شمار می‌آمد به این دلیل که رژیم شوروی هدف‌های اقتصادی را بر زندگی مردم اولویت بخشیده بود.

**مروری بر کتاب**

فصل اول کتاب چیده‌ای از تاریخ کوتاه قرن بیستم است با ارجاع به کتاب «عصر نهایت‌ها»ای اریک هابزبام. نویسنده در انتهای فصل چالش‌های نظری نسل جدید چپ را با نگاه به رویدادهای جنبش سوسیالیستی میان سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۸۹ فهرست‌وار عنوان می‌کند. فصل دوم درباره چهار نفر از متفکرانی است که سرآغاز شک و بدبینی به تجربه شوروی بودند: ولادیمیر مایاکوفسکی، «شاعر انقلاب»، الکساندر کولنتای رهبر سازمان زنان بلشویک که قوانین خارق‌العاده‌ای به نفع زنان صادر کرد و در ۱۹۲۲ از کار برکنار شد. آتاتولی لونانچارسکی، کمیسر بلشویک آموزش‌وپرورش، حامی جنبش‌های گوناگون در زمینه فرهنگ، جوانان و آموزش دانشگاهی که در ۱۹۲۹ از این منصب برکنار شد و ویکتور سزرگ به نقد شکست انقلاب اکثر از منظر یک فعال درگیر در آن پرداخت. او داستان‌نویس، تاریخ‌دان و فعال انقلابی لهستانی بود که تحت‌تاثیر انقلاب اکثر به روسیه رفت و در دفاع نظامی از پتروگراد شرکت جست. واقعه قیام کرونتشتات او را به تردید درباره ماهیت انقلاب انداخت و در ۱۹۲۷ به‌صورت حامی فعال اپوزیسیون چپ تروتسکی درآمد.

فصل سوم درباره کارل کرش، سوسیالیست آلمانی، است که بیشتر به سبب جزوه خود «مارکسیسم و فلسفه» شهرت دارد. او در مطالعات فلسفی خود بی‌آنکه به آثار لنین دسترسی داشته باشد به این نتیجه رسیده بود که بین فلسفه خام و زمخت مارکسیسم بین‌الملل دوم و سیاست فرمیستی آن وحدتی وجود دارد و همچنین بر آن بود که پژوهش در دیالکتیک باید در مرکز هرگونه

## «مارکسیسم دگراندیش» و تجربه شوروی

## نقش فرد در تاریخ

علی‌سالم

فصل بعدی کتاب درباره مکتب فلسفه

یکی دیگر از فصول کتاب درباره جورج حنین، شاعر

و نویسنده سورئالیست فرانسوی- مصری و دوست

بود که به تشکیل یک حزب انقلابی و ضداستالینیسمت

وفاذری آن به مفهوم دیرتتری از آزادی می‌داستت و

ضدتاریخی‌گرایی و مخالفت آنتوسسر را با اومانینسم نقد

می‌کرد. در مقابل، آنتوسسر اومانینسم سوسیالیستی را

انحراف دست‌راستی از استالینیسم می‌داست. نظام مبتنی

بر اخلاق که مارکسیسم اومانینیستی مبلغ آن بود از جانب

دیگر متفکران همچون السدر مک‌اینتایر نیز به نقد کشیده

شد. به اعتقاد مک‌اینتایر، برای وضع کنونی هیچ گزینه

سیاسی نمی‌توان یافت که اخلاقی برتر و فراع از زمان

ممکن و ایبتانی آن در تاریخ است.

فصل ششم کتاب درباره مکتب فلسفه

سوییزی آمریکایی است؛ دو فعال سیاسی، اقتصاددان،

روزنامه‌نگار و نویسنده نیمه دوم سده بیستم که بیشتر

به سبب پایه‌گذاری نشریه «مانتلی ریویو» برجسته‌ترین

نشریه چپ در ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شوند.

«نسل مانتلی ریویو» (افراط‌کاری‌های» حاکمان شوروی را

محکوم می‌شمرد. با این همه این ادعا را نیز می‌پذیرند که

دیکتاتوری شوروی به نحوی نمودار میراث مارکس است.

پشتیبانی انتقادی از مسکو در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ جای

خود را به تحسین سوسیالیسم در گویدا داد.

فصل هفتم، درباره والتر رادتی

سوسیالیست آفریقایی است. او

تاریخ‌دان و فعال سیاسی بود و به‌ناچار انقلاب به

وقوع می‌پیوندد در برابر حیزب کارگر از جامعه

سر بر می‌آورد. جامعه طبقاتی مستقل از

آنچه مردم انجام می‌دهند رشد می‌کند

و سپس نابود می‌شود. در آن زمان، این

نگاه تاریخی بر حزب کمونیست بریتانیا

حکمرها بود. این حزب در درون جامعه

بریتانیا نیز در برابر حیزب کارگر از تحرک

سیاسی یابینی برخوردار بود و شکل‌گیری

گرایش تاریخ‌نگاران مارکسیست بریتانیایی

واکنشی بود به هر دو این ضعف‌ها در

درون حزب کمونیست بریتانیا. نویسنده

پیش از بررسی زندگی و آثار و فعالیت‌های سیاسی

تاسون، به آرای یکی از زنان بینگام این مکتب می‌پردازد

که تاکنون به او کمتر توجه شده است: دانا تور. بررسی

زندگی او، در کنار تاسون، شیوه گسست از استالینیسم

را آشکار می‌سازد. دانا تور یکی از موثرترین افراد در

شکل‌گیری «گروه مورخان حزب کمونیست» بود. یکی دیگر

از اعضای این گروه کریستوفر هیل بود که کتاب کوچکی

نوشت با عنوان «۱۶۴۰: انقلاب انگلستان». رهبری حزب

کمونیست بریتانیا این کتاب را مردود شمرد چون معتقد

بود نظر اصلی هیل در این کتاب که جنگ داخلی را انقلابی

بورژوازی دانسته اشتباه است. دانا تور پس از چندی کتاب

«تام من و روزگار» را نوشت که مطالعه‌ای عمیق در

زندگی کارگران و جنبش آنها از ۵۰۰ سال قبل بود. تور

تألیف از مرگ از حزب کمونیست جدا نشد و تاسون

میراث او را ادامه داد. تاسون در همه عمر خود فعالیت

نظری و عملی پیگیری در حمایت از ستم‌دیدگان داشت و

در دو دهه آخر عمر خود آنچنان درگیر جنبش ضدجنگ در

انگلستان بود که مطالعات تحقیقی خود را قطع کرد. اثر او

که امروز به کتابی کلاسیک تبدیل شده «تکونین طبقه کارگر

انگلستان» است که به تازگی به فارسی نیز ترجمه شده

است. تاسون این کتاب را «غرب‌نوردی» خود می‌خواند و

آن را یادآور بسیاری از فعالان سالخورده‌ای می‌دانت که

اندیشه‌ها و اسناد قدیمی‌شان در نوشتن این تاریخ به او یاری

## اندیشه



محافل اثر یوسف کاد

فقط ۱۸ سال داشت که عضو شاخص گروهی به شمار می‌رفت که مجله مشهور بریتانیا «آر» را بنیان نهاد. در میانه دهه ۱۹۶۰ وقتی به سن دانشجویی رسید در احاطه مسائل جنسی، مواد مخدر و داروهای توهم‌زا قرار گرفت، با این همه درباره اسطوره‌های شوروش فرهنگی نسل خود نگاهی بدبینانه داشت: «همه آنچه نیاز داریم عشق است، و البته درآمدی شخصی و یک جور پدرمدرارهایی که لباس‌خانه‌های ابریشمی چینی‌شان را در انباری زیر شیروانی جا داده‌اند.» مقاله «شورش بر قدرت بزرگ‌ترها» که در ۱۹۶۸ نوشت آشکارا روحیه او را در پیوند با اعتراض‌های دانشجویی چند ماه بعد نشان می‌دهد. او در همایش راسکین، رویداد پایه‌گذار آزادی زنان در بریتانیا، شرکت جست و با توانایی شگفت‌آوری که داشت به مباحثه‌های نخستین جنبش‌های دانشجویی دگرپاشی و فمینیستی یاری رساند. در یکی از شماره‌های «آز» یادآور شد که اگر زبان «عشق آزاد» مجله قرار است اصلا معنایی داشته باشد، در آن صورت باید به جنس‌پرستی‌ای توجه شود که جز، مشخصی از رویای مردان هیبی است. ویجری اینجا تحت‌تاثیر نظریات مهنشوقش شیلا روپاتم بود که در شمار صاحب‌نظران برجسته جنبش نوین آزادی زنان محسوب می‌شد و نویسنده کتاب «زنان، مقاومت و انقلاب» است. نقد ویجری بر رزن‌ستیزی هیبی‌ها متمایز و بسیار پیش‌تر از عصر خود محسوب می‌شد و دو سال قبل از کتاب «خواجه مونت» جرم‌گیر در ۱۹۶۹ منتشر شده بود. ویجری همچنین بیش از هر مارکسیست دیگری برای دفاع از سیاست خود استدلال‌هایی به کار می‌برد که از موسیقی وام گرفته بود. در اواسط دهه ۷۰ با بالاگرفتن موج نژادپرستی اعضای «جبهه ملی» سعی در نفوذ به میان حامیان فوتبال، جوانان بیکار و طرفداران موسیقی پانک داشتند. در اوت ۱۹۷۶ اریک کلایتن کنسرتش را در بیرمنگام قطع کرد تا به پشتیبانی از نماینده‌های نژادپرست سخن بگوید. این سخنرانی به شکل‌گیری «راک ضدنژادپرستی» انجامید. ویجری یکی از چهره‌های سرشناس این جنبش به شمار می‌رود. او در نخستین بیانیه «راک ضدنژادپرستی» نوشت: «ما موسیقی شورشی می‌خواهیم، موسیقی خیابان. موسیقی‌ای که ترس مردم را از یکدیگر در هم می‌شکند، موسیقی بحران. موسیقی اکنون. موسیقی‌ای که می‌داند دشمن واقعی کیست. راک ضدنژادپرستی.» موسیقی عشق از نژادپرستی نفرت دارد» (صفحه ۳۰۱) «راک ضدنژادپرستی پیش از آن که مارگارت تاجر به نخست‌وزیری برسد و اواین سارکوفان بزرگ چپ به شمار می‌رود و از آن پس جنبش به دوره‌ای درازاهنگ از افول گام نهاد که چه‌بسا تازه داشت از آن بیرون می‌آمد.» (صفحه ۲۸۳) فصل آخر کتاب با شرح دوران نولیبرالیسم تاجر و کابش «خدمات بهداشت ملی» در انگلستان پایان می‌یابد.

دیوید رتن نویسنده کتاب در پیش‌گفتار ترجمه فارسی کتاب می‌نویسد: «مارکسیسم دگراندیش در سال‌های پس از تظاهرات اعتراضی بزرگ سیاتل در نوامبر ۱۹۹۹ نوشته شد. در لیورپول بودم که گزارش‌های تظاهرات مردم را دیدم، و یادم هست که از ابعاد اعتراض‌ها به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا و اعتماد به نفس تظاهرات‌کنندگان با حیرت افتادم. به نظر می‌رسید که نسلی نو از مبارزان و فعالان قابلیت خود را نشان می‌دهد. اعضای این نسل می‌خواستند با سرمایه‌داری به صورت یک نظام برخورد کنند. از صمیم دل می‌خواستند این نظام را سرنگون کنند و به جای آن چیزی دیگری بنشانند. طی دو سال بعدی، من از این بحث بلند برخوردار بودم که در ضدسرمایه‌داری به جز پدیدآورندگان رویدادهای سیاتل، برخورد داشته باشم که بیکارهای دیگری در شهرهای متفاوتی چون لندن، فلورانس، جنوا و زوهانسبورگ شکل دادند.» ( صفحه ۱۴) او ویژگی‌های جنبش سرمایه‌ستیز جدید را برمی‌شمرد. نخستین وجه تمایز این اعتراضات از انواع قبلی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جریان داشت مردودشمردن سیاست‌های هویتی یا تک‌موضوعه بود. در نظر حامیان این شیوه نو، جداساختن کارزار برابری جنستی از مسائلی چون طبقه، محیط زیست، موسیقی یا نژاد امکان‌ناپذیر است. دومین تفاوت این مبارزات آزادی‌خواه‌بودن این جنبش هاست. آنها نسبت به روند عادی امور سووطن دارند و همه شکل‌های سازمان‌ها را مردود می‌شمارند مگر آنکه این شکل‌ها با خواسته‌های امیال بی‌واسطه هر فرد فعال در جنبش سازگار درآید و تأکید زیادی بر خلاقیت می‌گذارند. سوم اینکه این جنبش چیز کمی از تاریخ می‌داند و حتی کادراهای فعال چندان وجهی به ریشه‌های نارضیاتی و اعتراض جمعی کنونی ندارند، حال آنکه باید این ریشه‌ها را شناخت. او انگیزه خود را از نوشتن این کتاب این‌گونه که از زیرعنوانش بر می‌آید «آواهای گذشته برای روزگار کنونی» می‌داند.

### مناقشه روش و نظریه

مسئله روش در علوم انسانی به‌طور عام و علوم اجتماعی به‌طور خاص همواره از مناقشه‌برانگیزترین وجوه اندیشه اجتماعی بوده است. اگرچه نسبت روش و نظریه در آثار تراز اول علوم اجتماعی جایگاه مشخصی دارد، به طوری که هیچ نظریه‌ای بدون روش‌شناسی مشخص قابلیت طرح ندارد و از سوی دیگر، هیچ روشی بدون نظریه موضوعیت ندارد. اما در فضای رایج آکادمی این دو وجه از یکدیگر تفکیک شده‌اند و روش به قالب تکنیک فروگاسته شده است. تقلیل روش در علوم انسانی به تکنیک‌های مشاهده گسردآوری داده‌ها و نظریه‌زدایی و فلسفه‌زدایی از روش. موجب سرگشگی عمده‌ای در تولید متون به‌اصطلاح پژوهشی شده است. این بحران را در سری‌دوزی متون پژوهشی در فضای رایج علوم انسانی در میدان آکادمیک ایران نیز می‌توان مشاهده کرد. مواجهه با متون تراز اول علوم انسانی نشان می‌دهد هیچ متنی ممکن نمی‌شود مگر در چارچوبی روشمند و مقید به نظریه. نظریه و روش دو وجه جدایی‌ناپذیر محسوب می‌شوند که در یک کلیت مشخص متن را ممکن می‌کنند. در این خصوص آثار مهمی به فارسی ترجمه شده و به‌تازگی کتاب مهم دیگری نیز ترجمه شده که در این زمینه راهگشاست: کتاب «روش و نظریه در علوم اجتماعی» مجموعه مقالاتی است از دیوید هاروی، توماس تی. سکین، چارلز تیلی، اریک الین رایت،گری گاتیک، الیزابت مون، جیبر اف. گوربسم، جیمز‌زای. هولستین، کریستین اس. دیویس، کارولین ایس، آشیل امیمبه که با ترجمه گروهی از مترجمان از سوی انتشارات تپسا منتشر شده است. مجموعه حاضر می‌کوشد از این دید دفاع کند که نظریه و واقعیت از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند، ولو اینکه به شکلی خیالی فهم دهم‌دستی و یقین‌حسی به‌عنوان عنیبت ناب‌زنده‌مانی شود. در مجموعه حاضر تلاش شده‌صورت‌بندی‌های روش‌شناختی‌ای ارائه شود که در دل نظام‌های نظری موضوعیت یافته‌اند. کتاب حاضر مجموعه‌ای از ۹ نوشتار است که صورت‌بندی‌های روش‌شناختی منحصر به فردی دارند و می‌کشند مضامین روش‌شناختی را در دل شاکله‌های نظری خود توضیح دهند. روش دیالکتیکی که در سنت تفکر چپ جایگاهی ویژه دار، محور نوشتار مهم کتاب است: بحثی در باب «دیالکتیک سرمایه» از توماس تی. سکین و همچنین «دیالکتیک فضا- زمان» از دیوید هاروی که کارستی است از روش دیالکتیک در فهم پدیده‌های اجتماعی در وجود انتقادی. یکی بر مضمون سرمایه متمرکز می‌شود دیگری بر مضمون فضا-زمان. همچنین روش تبارشناختی نیز به‌عنوان یکی از متاخرین صورت‌بندی‌های نظری-روشی در علوم انسانی در یادداشتی از گری گاتینگ بررسی شده است. مواجهه پساستعماری با پدیده‌های تاریخی-اجتماعی در متنی از آشنیل امیمبه ارائه شده. برای فهم چگونگی مواجهه با مسئله «طبقه» در صورت‌بندی و رویکرد تحلیلی ارک اولین رایت استفاده شده است. همچنین در زمینه قوم‌نگاری صورت‌بندی‌های نظری-روشی است که در پوزیتویسم آمریکایی طرح شد. این صورت‌بندی با یادداشتی از چارلز تیلی، یکی از ادامه‌دهندگان کتاب از دو بخش تشکیل شده. بخش اول به جستجوی اقتصاد در افسانه‌ها، دین، الهیات، فلسفه و علم می‌پردازد و در بخش دوم به جست‌وجوی افسانه‌ها، دین، الهیات، فلسفه و علم در اقتصاد. کتاب می‌کوشد نقشه تحول ویژگی‌های اقتصادی را ترسیم کند. دامنه کار نیز از مرزهای اقتصاد است تا تاریخ. از این‌رو، برای یافتن پاسخ‌هایی در تمام تاریخ حرکت می‌کند، از آغاز فرهنگ تا عصر پست‌مدرن کنونی. البته هدف کتاب بررسی تک‌تک لحظاتی نیست که به تغییر درک اقتصادی نسل‌های بعدی و نسل ما از جهان کمک کرد بلکه می‌کوشد مقاطعی را بررسی کند که در راه توسعه یا در دوره‌های تاریخ معین مؤثر بوده‌اند. از حماسه کیل‌گمش تا وال‌استریت، با اشخاص مهمی که بر رشد فهم اقتصادی انسان تأثیر گذاشته‌اند، نظیر دکارت، مندویل، اسمیت، هیوم، میل و دیگران. در یک کلام، هدف کتاب حاضر گفتن داستان اقتصاد است.

فقط ۱۸ سال داشت که عضو شاخص گروهی به شمار می‌رفت که مجله مشهور بریتانیا «آر» را بنیان نهاد. در میانه دهه ۱۹۶۰ وقتی به سن دانشجویی رسید در احاطه مسائل جنسی، مواد مخدر و داروهای توهم‌زا قرار گرفت، با این همه درباره اسطوره‌های شوروش فرهنگی نسل خود نگاهی بدبینانه داشت: «همه آنچه نیاز داریم عشق است، و البته درآمدی شخصی و یک جور پدرمدرارهایی که لباس‌خانه‌های ابریشمی چینی‌شان را در انباری زیر شیروانی جا داده‌اند.» مقاله «شورش بر قدرت بزرگ‌ترها» که در ۱۹۶۸ نوشت آشکارا روحیه او را در پیوند با اعتراض‌های دانشجویی چند ماه بعد نشان می‌دهد. او در همایش راسکین، رویداد پایه‌گذار آزادی زنان در بریتانیا، شرکت جست و با توانایی شگفت‌آوری که داشت به مباحثه‌های نخستین جنبش‌های دانشجویی دگرپاشی و فمینیستی یاری رساند. در یکی از شماره‌های «آز» یادآور شد که اگر زبان «عشق آزاد» مجله قرار است اصلا معنایی داشته باشد، در آن صورت باید به جنس‌پرستی‌ای توجه شود که جز، مشخصی از رویای مردان هیبی است. ویجری اینجا تحت‌تاثیر نظریات مهنشوقش شیلا روپاتم بود که در شمار صاحب‌نظران برجسته جنبش نوین آزادی زنان محسوب می‌شد و نویسنده کتاب «زنان، مقاومت و انقلاب» است. نقد ویجری بر رزن‌ستیزی هیبی‌ها متمایز و بسیار پیش‌تر از عصر خود محسوب می‌شد و دو سال قبل از کتاب «خواجه مونت» جرم‌گیر در ۱۹۶۹ منتشر شده بود. ویجری همچنین بیش از هر مارکسیست دیگری برای دفاع از سیاست خود استدلال‌هایی به کار می‌برد که از موسیقی وام گرفته بود. در اواسط دهه ۷۰ با بالاگرفتن موج نژادپرستی اعضای «جبهه ملی» سعی در نفوذ به میان حامیان فوتبال، جوانان بیکار و طرفداران موسیقی پانک داشتند. در اوت ۱۹۷۶ اریک کلایتن کنسرتش را در بیرمنگام قطع کرد تا به پشتیبانی از نماینده‌های نژادپرست سخن بگوید. این سخنرانی به شکل‌گیری «راک ضدنژادپرستی» انجامید. ویجری یکی از چهره‌های سرشناس این جنبش به شمار می‌رود. او در نخستین بیانیه «راک ضدنژادپرستی» نوشت: «ما موسیقی شورشی می‌خواهیم، موسیقی خیابان. موسیقی‌ای که ترس مردم را از یکدیگر در هم می‌شکند، موسیقی بحران. موسیقی اکنون. موسیقی‌ای که می‌داند دشمن واقعی کیست. راک ضدنژادپرستی.» موسیقی عشق از نژادپرستی نفرت دارد» (صفحه ۳۰۱) «راک ضدنژادپرستی پیش از آن که مارگارت تاجر به نخست‌وزیری برسد و اواین سارکوفان بزرگ چپ به شمار می‌رود و از آن پس جنبش به دوره‌ای درازاهنگ از افول گام نهاد که چه‌بسا تازه داشت از آن بیرون می‌آمد.» (صفحه ۲۸۳) فصل آخر کتاب با شرح دوران نولیبرالیسم تاجر و کابش «خدمات بهداشت ملی» در انگلستان پایان می‌یابد.

دیوید رتن نویسنده کتاب در پیش‌گفتار ترجمه فارسی کتاب می‌نویسد: «مارکسیسم دگراندیش در سال‌های پس از تظاهرات اعتراضی بزرگ سیاتل در نوامبر ۱۹۹۹ نوشته شد. در لیورپول بودم که گزارش‌های تظاهرات مردم را دیدم، و یادم هست که از ابعاد اعتراض‌ها به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا و اعتماد به نفس تظاهرات‌کنندگان با حیرت افتادم. به نظر می‌رسید که نسلی نو از مبارزان و فعالان قابلیت خود را نشان می‌دهد. اعضای این نسل می‌خواستند با سرمایه‌داری به صورت یک نظام برخورد کنند. از صمیم دل می‌خواستند این نظام را سرنگون کنند و به جای آن چیزی دیگری بنشانند. طی دو سال بعدی، من از این بحث بلند برخوردار بودم که در ضدسرمایه‌داری به جز پدیدآورندگان رویدادهای سیاتل، برخورد داشته باشم که بیکارهای دیگری در شهرهای متفاوتی چون لندن، فلورانس، جنوا و زوهانسبورگ شکل دادند.» ( صفحه ۱۴) او ویژگی‌های جنبش سرمایه‌ستیز جدید را برمی‌شمرد. نخستین وجه تمایز این اعتراضات از انواع قبلی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جریان داشت مردودشمردن سیاست‌های هویتی یا تک‌موضوعه بود. در نظر حامیان این شیوه نو، جداساختن کارزار برابری جنستی از مسائلی چون طبقه، محیط زیست، موسیقی یا نژاد امکان‌ناپذیر است. دومین تفاوت این مبارزات آزادی‌خواه‌بودن این جنبش هاست. آنها نسبت به روند عادی امور سووطن دارند و همه شکل‌های سازمان‌ها را مردود می‌شمارند مگر آنکه این شکل‌ها با خواسته‌های امیال بی‌واسطه هر فرد فعال در جنبش سازگار درآید و تأکید زیادی بر خلاقیت می‌گذارند. سوم اینکه این جنبش چیز کمی از تاریخ می‌داند و حتی کادراهای فعال چندان وجهی به ریشه‌های نارضیاتی و اعتراض جمعی کنونی ندارند، حال آنکه باید این ریشه‌ها را شناخت. او انگیزه خود را از نوشتن این کتاب این‌گونه که از زیرعنوانش بر می‌آید «آواهای گذشته برای روزگار کنونی» می‌داند.

## سال چهاردهم • شماره ۲۹۲۵ روزنامه شش

## بررسی

### اقتصاد: قصه‌گویی مردم به مردم درباره مردم

آدمی برای فهم جهان پیرامون و واقعیت خود دست به دامن داستان‌ها بوده است. غالب این داستان‌ها با گذر زمان برای نسل‌های بعد عجیب‌وغریب به نظر می‌رسید. از جمله آنها داستان اقتصاد است که از روزگاران کهن آغاز شد.گسئونافس در حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد نوشت: «حتی اگر کسی ثروتی نداشته باشد، چیزی به نام علم تدبیر منزل وجود دارد». داستان اقتصاد به‌عنوان علم تدبیر منزل بعدها زیرمجموعه الاهیات، اخلاقی و فلسفه قرار گرفت. ولی رفته‌رفته چیز کاملا متفاوتی شد، تقریبا تمام وجوه زندگی مردم را پر کرد و از آن پس به داستان مهمی میان دیگر داستان‌های زندگی بدل شد. اقتصاد پیش از آنکه استقلال خود را به صورت یک رشته مجزا به دست آورد در میان زیرشاخه‌های فلسفه، مثلا اخلاق، فرسنگ‌ها دور از مفهوم امروزین آن به‌عنوان علمی مبتنی بر ریاضیات بود. فارغ از تحلیل‌های اقتصادی و آماری، در باب چیستی اقتصاد بسیار نوشته‌اند: یکی از متاخرترین آثار «اقتصاد خیر و شر» اثر توماش زدلاچک، اقتصاددان و متفکر اهل چک، است که به تازگی با ترجمه احمد علیقلیان منتشر شده است. او می‌کوشد در کتاب حاضر به این پرسش‌ها پاسخ دهد: اقتصاد چیست و چه معنایی دارد؟ این دین تازه، نامی که گاه بر آن گذاشته می‌شود، از کجا می‌آید؟ اگر امکانات، محدودیت‌ها و مرزهایی دارد، آنها کدامند؟ چرا این‌قدر به رشد همیشگی رشد، و رشد رشد در حال رشد وابسته‌ایم؟ اندیشه پیشرفت از کجا آمده است و ما را به کجا می‌کشاند؟ چرا این‌همه جدل‌های اقتصادی با وسواس و تعصب همراه است؟ این پرسش‌ها معمولا نظر روشنفکران و متفکران را به خود جلب می‌کند نه اقتصاددانان را. زدلاچک نیز به همین قیاس در کتاب حاضر مدعی است اقتصاد که امروز می‌شناسیم پدیده‌ای فرهنگی است و محصول تمدن ما. با این همه، آن را محصولی نمی‌داند که با قصد قبلی تولید یا اختراع شده باشد. او تأکید دارد بسیاری از چیزهای اقتصاد، ناخودآگاه و خودانگیخته، بی‌مهار و بی‌برنامه است. چراکه بیشتر احزاب سیاسی وقتی در برنامه‌هایشان به اقتصاد و امور مالی اولویت می‌دهند، در اجرای آنها بر مادی‌گرایی محدود متمرکزند و در پایان کار در می‌یابند که فرهنگ نیز ضمیمه بحث است. شاید به این دلیل است که اقتصاد به‌عنوان رشته‌ای علمی غالباً با حسابداری صرف خلط می‌شود. اما هنگامی که محاسبه بیشتر چیزهایی که روی هم زندگی ما را شکل می‌دهد دشوار یا به‌کلی ناممکن است، باید توضیح داد که فایده حسابداری چیست؟ از این‌رو، از دیگر پیش‌فرض‌های مهم کتاب زدلاچک این است که سرآغاز پژوهش‌های اقتصادی عصر علم نیست. او کل اقتصاد را «اقتصاد خیر و شر» می‌داند: «اقتصاد قصه‌گویی مردم به مردم درباره مردم است.» (ص ۸) در نظر زدلاچک، حتی پیچیده‌ترین الگوی ریاضی نیز داستان، حکایت و کوشش ماست برای اینکه جهان پیرامون خود را درک کنیم. او در کتاب حاضر می‌کوشد نشان دهد داستانی که تا امروز به کمک سازوکارهای اقتصادی روایت شده اساسا درباره زندگی خود است، داستانی که از سنت‌های باستانی یونانی و یهودی با خود داشته‌ایم. همچنین نشان می‌دهد ریاضیات، الگوها، معادلات و آمار فقط گوشه کوچکی از اقتصاد است و بزرگ‌ترین بخش دانش اقتصادی



از بسیاری چیزهای دیگر تشکیل شده است، و مجادلات در اقتصاد بیشتر نبرد داستان‌ها و فراروایت‌های گوناگون است تا چیز دیگر. بنابراین «آنچه امروز مردم، مثل همیشه، اساسا می‌خواهند از اقتصاد بیاموزند این است که چه چیز خوب است و چه چیز بد.» (همان) در نظر زدلاچک علم اقتصاد وحشت‌زده می‌کوشد از واژه‌هایی چون خیر و شر بیزهیدگی ولی نمی‌تواند. چون «اگر اقتصاد فعالیتی بود با نظام ارزشی طرف، انتظار می‌رفت که اعضای حرفه اقتصاد بیکره کاملی از اندیشه‌های اقتصادی به وجود بیاورند.» (ص ۹) اما چنین اتفاقی هرگز رخ نداد. بر همین اساس نویسنده تأکید دارد که اقتصاد در نهایت بیشتر علمی هنجاری است. او حتی گزاره‌های حکمی اقتصاددانی چون میلتون فریدمن را که می‌گفت «اقتصاد باید علمی تحقیقی باشد» نیز بیانی هنجاری می‌داند. هرچند به نظر زدلاچک در زندگی واقعی اقتصاد علمی نتقادی نیست. چون در ذات بشر بود ناچار نویسنده تلاش کند که چنین سخفی، همچنین در مخالفت با اقتصاددانی چون فریدمن تأکید دارد که عاری از ارزش بودن خودش ارزش است و بنابراین تناقض آمیز است رشته‌ای که موضوع اصلی مطالعه‌اش ارزش‌هاست، عاری از ارزش باشد. تناقض دیگر این است: رشته‌ای که به دست نامی بازار ایمان دارد، چگونه می‌خواهد عاری از اسرار باشد. از این‌رو، در کتاب حاضر پرش‌های دیگری نیز مطرح می‌شود: آیا اقتصاد خیر و شر وجود دارد؟ آیا خودخواهی در ذات بشر است؟ آیا اگر خودخواهی به خیر عمومی منجر شود موجه است؟ در نظر نویسنده، اگر بنا نیست اقتصاد صرفا یک الگوی مکانیکی برای تخصیص منابع و اقتصادسنجی باشد، بی‌آنکه معنا یا کاربرد ژرف‌تری داشته باشد، طرح چنین سؤال‌هایی مهم است.



موضوع کتاب «فرا-اقتصاد» است چون اول به جستجوی اقتصاد در افسانه‌ها، دین، الهیات، فلسفه و علم می‌پردازد و در بخش دوم به جست‌وجوی افسانه‌ها، دین، الهیات، فلسفه و علم در اقتصاد. کتاب می‌کوشد نقشه تحول ویژگی‌های اقتصادی را ترسیم کند. دامنه کار نیز از مرزهای اقتصاد است تا تاریخ. از این‌رو، برای یافتن پاسخ‌هایی در تمام تاریخ حرکت می‌کند، از آغاز فرهنگ تا عصر پست‌مدرن کنونی. البته هدف کتاب بررسی تک‌تک لحظاتی نیست که به تغییر درک اقتصادی نسل‌های بعدی و نسل ما از جهان کمک کرد بلکه می‌کوشد مقاطعی را بررسی کند که در راه توسعه یا در دوره‌های تاریخ معین مؤثر بوده‌اند. از حماسه کیل‌گمش تا وال‌استریت، با اشخاص مهمی که بر رشد فهم اقتصادی انسان تأثیر گذاشته‌اند، نظیر دکارت، مندویل، اسمیت، هیوم، میل و دیگران. در یک کلام، هدف کتاب حاضر گفتن داستان اقتصاد است.

### روش و نظریه

### در علوم اجتماعی

### دیوید هاروی و دیگران

### مجموعه مترجمان

**ناشر: تپسا**

**قیمت: ۲۳۹۰۰ تومان**